

ملاحظات امنیتی - سیاسی چین در آسیای مرکزی (۲۰۰۵-۱۹۹۱)

حسین سلیمی*

دانشیار گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مریم هفت آبادی

کارشناس ارشد روابط بین الملل

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱/۲۷ - تاریخ تصویب: ۸۷/۶/۹)

چکیده

موج اسلام گرایی در آسیای مرکزی و همجواری این منطقه با ایالت مسلمان نشین و خودمختار سین کیانگ چین، خطر جدایی طلبی در این استان را تشدید می کند. شواهد زیادی وجود دارد که این یک تهدید واقعی است و ناشی از بزرگ نمایی چینی ها جهت سرکوب هر چه بیشتر معترضان مسلمان در سین کیانگ نمی باشد. سؤال اصلی مقاله این است که مهم ترین دغدغه امنیتی و سیاسی چین در آسیای مرکزی که منجر به افزایش روابط چین با این کشورها از ۱۹۹۱-۲۰۰۵ شده، چیست؟ فرضیه این مقاله آن است که مهم ترین دغدغه امنیتی و سیاسی چین در آسیای مرکزی هراس از بنیاد گرایی، افراط گرایی اسلامی و تروریسم است.

کلید واژه ها

چین، آسیای مرکزی، سین کیانگ، افراط گرایی اسلامی، بنیاد گرایی، تروریسم

مقدمه

این مقاله در پی پاسخ دادن به بخشی از این سؤال کلی است که عوامل مؤثر بر افزایش روابط چین با آسیای مرکزی از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ کدامند؟ عموماً این دلایل را به دو بخش کلی سیاسی-امنیتی و اقتصادی-تجاری تقسیم می‌کنند. این مقاله سعی دارد در بعد امنیتی به مهم‌ترین انگیزه چین در آسیای مرکزی که هراس از بنیادگرایی، افراط‌گرایی و تروریسم با تأکید بر افراط‌گرایی اسلامی است و منجر به افزایش روابط آن با این کشورها از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ شده، بپردازد. روابط چین در این حوزه در دو بعد دوجانبه و چندجانبه صورت می‌گیرد که روابط چندجانبه در قالب سازمان همکاری شانگهای خود بحث مفصلی است که در این مقاله نمی‌گنجد و نیز روابط دوجانبه چین با روسیه و ایالات متحده و قدرت‌های منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز در خصوص مسائل امنیتی و سیاسی به مقالات دیگری موکول شده است. هدف این مقاله این است که:

۱. با ارائه شاخص‌های عینی و مستند نشان دهد که تهدید افراط‌گرایی اسلامی و تروریسم در چین یک تهدید واقعی است و ناشی از بزرگ‌نمایی چینی‌ها برای سرکوب هر چه بیشتر اقلیت مسلمان سین‌کیانگ نیست.
۲. این شاخص‌های عینی به‌خوبی ارتباط فعالیت‌های جدایی‌خواهانه در ایالت سین‌کیانگ را با حرکت‌ها و اوضاع آسیای مرکزی را نشان می‌دهد. به‌عبارت دیگر نشان می‌دهد که آسیای مرکزی نقش بسیار مؤثری در تغذیه تحرکات سین‌کیانگ دارد.
۳. بیان مفصل فعالیت‌های چین در راستای پاسخگویی به مسائل امنیتی آن در آسیای مرکزی در قالب روابط دو جانبه.

پیشینه اسلام در آسیای مرکزی

از آنجا که مهم‌ترین دغدغه امنیتی چین در آسیای مرکزی بنیادگرایی اسلامی است، ابتدا مقدمه کوتاهی راجع به حرکت‌های اسلامی در این منطقه بیان می‌کنیم. به‌دنبال استقلال کشورهای آسیای مرکزی، جریانات سیاسی و اجتماعی مختلفی در آسیای مرکزی شکل گرفت. یکی از این جریانات مهم سیاسی و اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ حرکت‌های اسلامی در منطقه است. حرکت‌های اسلامی به نهضت بیدارگری اسلامی که توسط سیدجمال‌الدین اسدآبادی (۱۸۹۸-۱۸۳۸ م) و محمد عبده (۱۹۰۵-۱۸۴۹) آغاز شد، باز می‌گردد. نهضت بیدارگری اسلامی که ابتدا به عنوان یک جریان روشنفکری در مقابل اهداف استعمارگران بود، در جریان سیر تحول خود، پایه‌گذار جنبش‌ها و حرکت‌هایی شد که بعد در قالب جمعیت‌ها، سازمان‌ها و احزاب مختلف در تمامی سرزمین‌های اسلامی، از اندونزی تا خاورمیانه و مصر و مغرب، با

خطمشی‌های مختلف در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی فعال شدند. یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که در مطالعه حرکت‌های اسلامی و سازمان‌ها و گروه‌های متعلق به این حرکت می‌توان انجام داد، تقسیم‌بندی آنها براساس نحوه رویکرد آنها به دلیل یا دلایل بازگشت به اسلام است. این بحث در عمل دو طیف وسیع و گسترده را در جهان اسلام به وجود آورده است که در نام‌گذاری این دو طیف می‌توان از دو اصطلاح معتقدین به «انقلاب اسلامی» و معتقدین به «سلفی‌گری» بهره جست.

معتقدین به انقلاب اسلامی را می‌توان هم در بین اهل سنت مشاهده کرد مانند ابوالعلی مودودی و هم در بین شیعیان که نمونه آن افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) است. همچنین در خصوص سلفی‌ها می‌توان در بین اهل سنت مثل وهابی‌های طالبان و هم در بین شیعیان یعنی اخباریون دید و تمامی حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در بین این دو طیف در گردش است. این دو طیف در خطمشی مبارزاتی، روش مشخصی و به‌خصوصی را تجویز نمی‌کنند. در هر دو طیف می‌توان گروه‌های مختلفی را از رادیکال، محافظه کار و بنیادگرا را مشاهده کرد که بنا به شرایط اجتماعی و سیاسی هر کشوری به وجود آمده‌اند (موسوی، ۱۳۸۳، صص ۱۰۵-۱۳۵). از میان حرکت‌های اسلامی در آسیای مرکزی تنها سه حرکت و جنبش اسلامی در منطقه حائز اهمیت است: حزب نهضت اسلامی تاجیکستان، حزب حرکت اسلامی ازبکستان، حزب التحریر.

نهضت اسلامی تاجیکستان پس از مذاکرات صلح بین دولت و مخالفان که آغاز آن پنجم آوریل ۱۹۹۴ و پایان آن ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ بود و طی آن موافقت‌نامه صلح در شهر مسکو به امضا رسید به‌عنوان یک حزب قانونی در کشور به کار خود ادامه می‌دهد. اما «حرکت اسلامی ازبکستان» هیچ وقت نتوانست همانند «حزب نهضت اسلامی تاجیکستان» به‌عنوان یک سازمان سیاسی شناخته شود و با اقداماتی که انجام داد به‌عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شد و ضربه حیثیتی مهمی را پذیرا شد. سومین جریان اسلامی در آسیای مرکزی حزب التحریر است که در منطقه خصوصاً در ازبکستان و تاجیکستان فعالیت می‌کند و علی‌رغم اینکه خود را یک حزب سیاسی می‌نامد، بیشتر یک جریان ایدئولوژیک است.

حزب التحریر یک جریان فراملی است و خود را در چارچوب هیچ نظام ملی محصور نمی‌داند. این حزب هر چند به‌طور آشکار و صریح حکومت اسلام کریم‌اف را حکومتی فاسد و ضداسلامی می‌داند و هدف صریح خود را تشکیل خلافت اسلامی اعلام می‌نماید، اما به صراحت عملیات تروریستی را منع کرده و معتقد است تا زمانی که امت صالحی تشکیل نشود امکان تشکیل حکومت اسلامی (خلافت اسلامی) ممکن نیست. از نظر حزب التحریر وظیفه مسلمانان قبل از آنکه وارد حکومت شوند آن است که شرایط حکومت اسلامی را فراهم آورند و شرکت مسلمانان در حکومت غیراسلامی همکاری با کفر است. این حزب برعکس «حرکت

اسلامی ازبکستان» از جانب وزارت خارجه آمریکا به عنوان گروه تروریستی شناخته نشده است (موسوی، ۱۳۸۳).

افراط گرایی اسلامی در سین کیانگ

الف- پیشینه فعالیت‌های جدایی خواهانه در چین

از آنجا که عمده ترین نگرانی چین از بنیادگرایی، افراط گرایی و تروریسم در آسیای مرکزی و ترس از تأثیر آن بر ایالت مسلمان نشین سین کیانگ است، جایی که ذخایر نفت و گاز تاریخ چین در این منطقه قرار دارد و یک سوم پنبه این کشور در این استان کشت می شود و نیز مرکز آزمایشات اتمی چین نیز هست، لذا در این قسمت سعی داریم با ارائه شاخص های عینی نشان دهیم که تا چه حد افراط گرایی در سین کیانگ متأثر از حرکت های مشابه در آسیای مرکزی است. سین کیانگ شامل ۱۲ میلیون اویغور خشن ترک است که توسط چین در اواسط قرن ۱۸ میلادی مغلوب شدند اما تحت سلطه کامل در نیامدند، تا زمانی که کمونیست های چین در سال ۱۹۴۹ به قدرت رسیدند. طی ۵۰ سال اخیر، چین یک سیاست استعمار داخلی^۱ را در یک رهیافت سه مرحله ای اجرا کرده است.

چین کنترل سیاسی را تحت شکل ظاهری خودمختاری اعمال کرده است و بسیاری از عناصر فعال سیاسی یا تشکیلات جامعه مدنی (از دید غربی ها) خصوصاً مذهب را تحت کنترل شدید در آورده است. از طرف دیگر با مهاجرت دادن «هان ها» به منطقه سین کیانگ و سرمایه گذاری در این منطقه به منظور خدمت به نیازهای تمام ملت و خصوصاً به منظور دفاع و نگهداری منابع انرژی زیادی که این منطقه در خود نهفته دارد، نفوذ خود را تثبیت کرد. در مرحله سوم، اعمال یک کنترل کلی و همه جانبه بر روی مذهب توسط حضور دائمی ارتش آزادی بخش خلق و پلیس مسلح خلق و... مردم اویغور از حرکت «هان» استقبال نکردند و بسیاری از مردم دوست داشتند که کنترل دولت مرکزی چین بر منطقه شان پایان یابد و یا حداقل میزان بیشتری خود مختاری در امور خود داشته باشند (Oresman, 2005).

پیشینه فعالیت های حرکت جدایی طلبانه قومی در چین به تأسیس «جمهوری اسلامی ترکستان شرقی» در دهه ۱۹۳۰ توسط محمد امین با حمایت انگلیس و سپس تأسیس «حکومت موقت جمهوری ترکستان شرقی» در دهه ۱۹۴۰ در منطقه ایلی باز می گردد. حرکت اخیر تا حدودی زیر عنوان تئوری «خود مختاری قومی» از پشتیبانی شوروی برخوردار بود و هدف آن تأسیس یک «کشور مستقل» بود. بعدها رهبران «مناطق انقلابی سه گانه» رهبری

1. Internal Conolization

حزب کمونیست چین را پذیرفتند و در مقوله آزادسازی مسالمت‌آمیز ایالت سین کیانگ نقش مهمی ایفا کردند و به صورت نیروی محافظ وحدت کشور در آمدند. البته بین آنها کسانی بودند که اندیشه جدایی خواهانه را رها نساختند و هنگام آزادی سین کیانگ به خارج از کشور پناهنده شدند و با تاسیس «ستاد» در ترکیه به تلاش‌های خود ادامه دادند. عناصر جدایی طلب در تبعید طی مدت‌های طولانی کاری از پیش نبردند.

در دوران شوروی آنها چاره‌ای جز این نداشتند که در آسیای مرکزی از جمله قزاقستان و قرقیزستان فعالیت کنند. بخشی از تلاش‌های جدایی خواهانه آنها در سال ۱۹۶۲ به صورت فرار عده‌ای اندک از منطقه سین کیانگ به شوروی جلوه‌گر شد، که تحت تأثیر تبلیغات عقیدتی شوروی و اقدامات این کشور علیه چین صورت گرفت. این اشخاص پس از به قدرت رسیدن گورباچف در آستانه فروپاشی شوروی شروع به تأسیس سازمان‌هایی چون «اتحادیه بین‌المللی اویغورها» «سازمان آزادی بخش اویغورستان» «شورای بین‌المللی ترکستان شرقی» و مانند آن کردند.

آنها امید داشتند که با استفاده از دگرگونی‌های جهانی و بهره‌برداری از عقاید عمومی مختلف، حرکت پنهانی جدایی خواهانه علیه جمهوری خلق چین را تداوم بخشند و از خارج بر وحدت قومی در سین کیانگ تأثیر بگذارند. کسانی که در شوروی فعالیت داشتند و عده‌ای که در ترکیه اهداف جدایی طلبی اویغورها را در سر می‌پروراندند، پس از فروپاشی شوروی در صدد برآمدن افکار خود را با تأسیس «جمهوری ترکستان شرقی» در خاک شوروی گسترش بخشند، موجبات جدایی ایالت سین کیانگ اویغور را از چین فراهم کنند.

فعالیت‌های نیروهای جدایی خواه معروف به «هواداران ترکستان شرقی» در بعضی از کشورهای آسیای مرکزی، گاهی آشکار و گاهی پنهان بود. فعالان آن هنگام سفرهای دولتمردان چینی به آن کشورها، متوسل به برخی اقدامات خرابکارانه هم می‌شدند. در چند سال گذشته پافشاری‌های جدایی طلبان قومی چین افزایش یافته است و به اقدامات خرابکارانه و تروریستی منجر شده که با اوضاع عمومی جهان و مخصوصاً دگرگونی‌های سیاسی در آسیای مرکزی ارتباط نزدیک دارد. برخی از کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال براساس نیازهای سیاست داخلی خود شعار «میهن مشترک» را مطرح کردند.

بی تردید این گونه اقدامات برای چین که در مرزهای خود با همسایگانش اقوام مشترک دارد، مشکل آفرین است و بر ثبات داخلی این کشور تأثیر سوء می‌نهد و کسانی هم که محرک این بی‌نظمی‌ها هستند بر مناسبات کشورها تأثیر منفی می‌گذارند (جانو چانگ، گوانگ چنگ، جوانگ جی، ۱۳۷۹). قریب به نیمی از ۱۶ میلیون نفر سکنه سین کیانگ را اویغورها تشکیل می‌دهند. آنها قومی ترک، مسلمان و خویشاوند ۱۵ میلیون ازبکی هستند که در سراسر آسیای مرکزی زندگی می‌کنند.

به علاوه ۶ میلیون نفر از چینی‌های «هان» که بیشتر ساکن شهرها و شامل ۱/۲ میلیون نفر قزاق و ۱۵۰ هزار نفر قرقیز هستند، در سین کیانگ به سر می‌برند (امیدوارنیا، ۱۳۷۷).

ب- شورش‌های مسلمانان در سین کیانگ بعد از ۱۹۹۰

شورش‌های مسلمانان در سین کیانگ ۱۹۹۰ برای ایجاد یک ترکستان شرقی آزاد، آشکارا و به‌طور مستقیم علیه پکن و حکومت کمونیستی صورت گرفت. مجاهدین افغانستان به این شورش‌ها اسلحه می‌رساندند. پکن ۲۰۰ هزار سرباز به‌منظور آرام کردن اوضاع اعزام کرد. بار دیگر در ۱۹۹۳ شورش‌های خشونت‌آمیزی در سراسر سین کیانگ به‌وقوع پیوست و چین رسماً شکایت کرد که قدرت‌های متخاصم خارجی در قزاقستان و نیز مجاهدین افغانستان با توطئه چینی زمینه انجام این شورش‌ها را فراهم می‌کنند. در ۱۹۹۴ جنگ‌های سختی در حوزه‌های مهم و راهبردی سین کیانگ در گرفت. در ۱۹۹۶ در اثر شلیک نیروهای مسلح چین ۹ اویغور کشته شدند و به‌دنبال آن ۲۰۰۰ نفر دستگیر گردیدند. در ۱۹۹۷ در جریان تظاهرات تجزیه‌طلبانه دست‌کم ۵۰ نفر کشته و قریب به ۱۰۰ تظاهرکننده اعدام شدند. پس از بمب‌گذاری و به‌جای ماندن کشته‌های بسیار در اواسط ۱۹۹۷ مبارزه‌ای برای افزایش وحدت خلق چین و حذف نیروهای تجزیه‌طلب در سین کیانگ در گرفت. پکن فعالیت اسلامی را محدود و ممنوع کرده تا از گسترش حرکت‌های مربوط به تجزیه کشور جلوگیری شود (امیدوارنیا، ۱۳۷۷).

طبق آمار رسمی چین از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ جدایی‌طلبان منطقه سین کیانگ که در آن مردم مسلمان مانند اویغور، ازبک و قرقیز به سر می‌برند به بیش از ۲۰۰ عمل تروریستی دست زدند که طی آن بیش از ۶۰۰ نظامی و غیرنظامی کشته شدند. قزاقستان هم نگران هجوم افراطیون اسلامی به این کشور شد که بیشتر در بین مهاجران غیرقانونی از چین، ازبکستان، افغانستان و پاکستان به چشم می‌خوردند و در مناطق مرزی چین مخفی می‌شدند. دولت قزاقستان در سپتامبر ۱۹۹۸ دو اویغور را به کشور چین تحویل دادند که متهم به عملیات تروریستی بودند. در سال بعد هم دو نفر به اتهام سازمان‌دهی عملیات تروریستی در تاشکند به ازبکستان تحویل داده شدند. اتباع کشور افغانستان و پاکستان هم به قصد رفتن به چین به‌طور متناوب دستگیر شدند (سازمان همکاری شانگهای، ۱۳۸۴).

روندهای در حال جریان در آسیای مرکزی نقش حمایت‌کننده را برای فعالیت‌های استقلال‌طلبانه در سین کیانگ دارند، حمایتی که دولت‌های آسیای مرکزی پشت آن نیستند. این نکته خیلی مهم است که ترس چین از حمایت مردمی در سین کیانگ جهت ایجاد یک جمهوری ترکستان شرقی جدید، به هر حال بسیار بیشتر از حمایت واقعی مردم در سین کیانگ است. البته ما مدعی نیستیم که ترس‌های چین بی‌مورد است. همان‌طور که گفته شد اقلیت

مسلمان سین کیانگ فعالیت‌های نظامی‌شان را از زمان استقلال کشورهای آسیای مرکزی افزایش داده‌اند. این موضع چین نسبت به شورشیان و مخالفان را غرب با سکوت و خاموشی تأیید کرده است (در قسمت‌های بعد راجع به موضع غرب در این مورد بحث خواهیم کرد). به هر حال (در بین عوامل مختلف) چین، اسلام را به‌عنوان عامل اصلی، در پس وقایع سین کیانگ می‌بیند. اما واقعیت این است که درست است که اسلام نقش مهمی در آسیای مرکزی بازی می‌کند، اما هنوز ارزش‌های سکولار زندگی مردم را شکل می‌دهند. ترس چین به‌ویژه از این جهت است که برخی گروه‌های قومی در آسیای مرکزی که گروه‌های اقلیت در سین کیانگ محسوب می‌شوند، مثل تاجیک‌ها، قزاق‌ها و قرقیزها، برای خودشان کشورهای مستقلی درست کرده‌اند، اما بزرگترین گروه اقلیت در سین کیانگ، یعنی اویغورها هنوز بدون کشور مانده است (Swanstrom, 2005).

ارتباط جدایی‌طلبان اویغور سین کیانگ با حرکت‌های عمده اسلامی در آسیای مرکزی به‌ویژه هنوز با حزب‌التحریر در هاله ابهام است. ولی چین و بسیاری از ناظران ادعا می‌کنند که روابط گسترده‌ای بین آن‌ها وجود دارد. اخیراً گفته شده که حرکت اسلامی ازبکستان^۱ و القاعده و دیگر گروه‌های رادیکال با جدایی‌طلبان اویغور رابطه برقرار کرده‌اند. گروه‌های اویغور در آسیای مرکزی خصوصاً در قرقیزستان فعال هستند. در سال ۲۰۰۲ گفته شد که جدایی‌طلبان اویغور یک کنسول چینی را در بیشکک کشتند. حملات دیگری در بیشکک و اوش به جدایی‌طلبان چینی منتسب می‌شود، ولی مدارک و شواهد گویا نیستند. بعد از انقلاب لاله‌ای در قرقیزستان، چین نگران بود که همسایه‌اش نتواند جدایی‌طلبان را کنترل کند (Central Asia and Its Asian Neighbors Security And Commerce At The Crossroads, May 2000).

گفته می‌شود کنگره جهانی اویغور^۲، یک گروه تبعیدی اویغور، هشدار سختی به دولت چین داده که تهدید اویغورها کم کم دارد به یک بمب ساعتی تبدیل می‌شود. تعداد زیادی از اویغورهای خارج از چین و پراکنده در اروپا، آلمان، آمریکا، کانادا و استرالیا و قزاقستان و قرقیزستان، می‌توانند به جدایی‌طلبان سین کیانگ کمک مالی کنند. چندین سازمان سیاسی جدایی‌طلب مثل «کنگره جهانی جوانان اویغور» و «کنگره ملی ترکستان شرقی» کمک‌های مالی چشم‌گیری از جامعه یهودیان خارج از کشور دریافت کرده‌اند. نزدیک‌ترین و نظامی‌ترین گروه که بیشترین رابطه را با القاعده دارد، حرکت اسلامی ترکستان شرقی است، که هدف آن ایجاد یک دولت ترکی مستقل برای اویغورهای مسلمان سین کیانگ است.

1. IMU
2. WUC

این جنبش از طرف یهودیان اویغور تغذیه می‌شود. بر طبق منابع معتبر، حرکت ترکستان شرقی اکنون فعال‌ترین گروه مسلمان اویغور چین است و امروزه در ارتباط با جهادی‌ترین گروه‌های افغانی و عراقی است (Gunaratna, Pereire, 2006, pp55-61).

طبق اسناد تهیه شده توسط چینی‌ها، تروریست‌ها در اردوگاه‌هایی که در اوایل سال ۱۹۹۰ در کاشغر، هوتان و آکسو در سین‌کیانگ ساخته شده بود، تمرین فعالیت‌های خرابکارانه می‌کردند. به دنبال بررسی‌های دو سال بعد پلیس در ۵ فوریه ۱۹۹۲ در ارومچی، پلیس سین‌کیانگ یک اردوگاه آموزشی تروریستی در دهکده بوکی سامو^۱ کشف کرد. در ۶ آوریل ۱۹۹۸ مقداری سلاح در خورگاس در مرز قزاقستان کشف شد. در بین سلاح‌ها، مقداری مهمات مختلف، مواد منفجره و گلوله و نارنجک‌های ضدتانک نیز کشف شد (Shichor, pp 89-108). گفته می‌شود مونیخ (آلمان) مرکز اصلی فعالیت این گروه است. آنها از این شهر تبلیغات خود را منتشر می‌کنند (Gunaratna, 2006).

ج- گروه‌های مسلح تروریستی در سین‌کیانگ

اعتراض اویغورهای سین‌کیانگ به دولت چین از دیرباز وجود داشته است، ولی پس از فروپاشی اتحاد شوروی شدیدتر شده است. در نوامبر ۲۰۰۱، سخنگوی وزارت خارجه چین به‌طور خلاصه، بیش از ۱۰ سازمان مستقل تروریستی مستقر در آسیای مرکزی، افغانستان و سین‌کیانگ را فهرست کرد که به هدایت خشونت تروریستی در سین‌کیانگ و قسمت‌های دیگر چین متهم بودند. برخی از این گروه‌ها به دنبال جدایی کامل و استقلال تام هستند و برای رسیدن به این هدف خود به اقدامات خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند. اینک به معرفی تعدادی از گروه‌ها می‌پردازیم:

۱. جبهه انقلابی متحد ترکستان شرقی^۲

این گروه مدعی داشتن بیش از ۳۰ واحد مسلح در حال فعالیت درون و اطراف سین‌کیانگ می‌باشد. این واحدها قادر به ساختن بمب می‌باشند. بنیان‌گذار این گروه «مخلصی» بیش از ۳۰ سال از مقاومت صلح‌آمیز در مقابل آنچه که او «فرمانروایی چین روی ترکستان شرقی» می‌نامید، حمایت کرده است. به هر حال این سیاست نسبتاً آرام و ملایم در مارس ۱۹۹۷ نفی شد، وقتی که سه تا از گروه‌های اویغور مستقر در قزاقستان، اعلامیه مشترکی منتشر کردند که اعلام می‌کرد آنها تصمیم دارند علیه زور و فشار چین اسلحه و نیروی نظامی به کار ببرند. مخلصی در مقاله‌ای که در ژاپن تایمز به چاپ رسیده اطلاع داد

1. Bokesumu

2. United Revolutionary Front of Eastern Turkistan

که او یک حرکت بسیار پیشرفته در سین کیانگ دارد و ۲۲ میلیون اویغور برای مبارزه مسلحانه علیه چین آماده‌اند. او ادعا می‌کند که وابستگی‌هایی به چندین گروه در آن سوی مرز در قزاقستان دارد.

۲. سازمان آزادی‌بخش اویغورستان^۱

رهبری این گروه را فردی به نام آشیروخیری^۲ به‌عهده دارد. گفته می‌شود که این گروه به‌علت چند مسئله شخصی و سیاسی دچار انشعاب شده است. یکی از این اختلاف نظرها بر سر نام دولت حاکم اویغور است که آن را ترکستان شرقی بنامند یا اویغورستان. به هر حال این گروه متعهد به تلاش مسلحانه علیه «اشغال»^۳ چین است.

۳. گرگ‌های لب نر^۴

این گروه عموماً نام رهبران خود را افشا نکرده است. اما گزارش شده است که این گروه مسئولیت برخی از بمب‌گذاری‌ها در ترن‌ها و نیز چندین قتل و ترور در سین کیانگ را به‌عهده گرفته است.

طبق گزارش‌های رسیده، این گروه یک بیانیه برای رادیوی تایوان تهیه کرد که اعلام کرد که حملات آن در پاسخ به توقیف‌ها و بازداشت‌های فعالان طرفدار استقلال سین کیانگ، توسط نیروهای دولتی چین است. به‌علاوه در پی بمب‌گذاری‌ها در چین، این گروه حمله طراحی شده توسط اویغورهای تبعیدی در قزاقستان را حمایت کرد. برخی محافظان و پاسداران چینی اشاره می‌کنند که شهر لب نر در سین کیانگ یکی از بزرگترین محل‌های آزمایشات اتمی چین است.

۴. سازمان آزادی‌بخش سین کیانگ و سازمان آزادی‌بخش اویغور^۵

گزارش شده که این دو گروه در ازبکستان و قرقیزستان فعال هستند و در سراسر منطقه پراکنده شده‌اند، یعنی در افغانستان، چین و چین و تاجیکستان هستند.

۵. خانه جوانان ترکستان شرقی^۶

این گروه به «حماس سین کیانگ» معروف است. این گروه رادیکال متعهد به مبارزه مسلحانه علیه دولت چین در سین کیانگ است. گفته می‌شود این گروه بیش از ۲۰۰۰ عضو دارد و در اردوگاه‌های افغانستان آموزش دیده است.

1. Organization For The Liberation of Uighurstan
2. Ashirvakhidi
3. Occupation
4. Wolves of Lop Nor
5. Xinjiang Liberation Organization And Uighur Liberation Organization (ULO)
6. Home Of East Turkistan Youth

۶. جماعت تبلیغی^۱

یک سازمان تبلیغی اسلامی پاکستانی است که چین معتقد است که این سازمان، به اویغورها با رساندن سلاح یاری می‌رساند و به آنها آموزش می‌دهد. در سال ۱۹۹۸ مقامات قرقیز یک گروه از این تشکل را که توسط یک اویغور متولد چین رهبری می‌شد، منحل کردند. این نشانه این بود که چین و آسیای مرکزی برای تحت فشار قرار دادن گروه‌های خشونت‌طلب فعال در آسیای مرکزی و سین‌کیانگ شروع به همکاری کرد. این گروه باعث شد که برخی دشواری‌ها و مشکلات در روابط بین چین و پاکستان ایجاد شود.

۷. حزب التحریر الاسلامی

گفته می‌شود هدف این حزب ایجاد یک خلافت یا دولت مستقل در درون سرزمین‌هایی شامل قسمت‌هایی از سین‌کیانگ چین، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان است (البته تاکنون گزارش‌هایی در مورد فعالیت‌های تروریستی این گروه نرسیده است).

۸. کمیته ترکستان شرقی^۲

این گروه در آلماتی در قزاقستان مستقر است و اساساً توسط پارتیزان‌های اویغوری شکل گرفته است که از سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۴۴ علیه ارتش آزادی‌بخش چین مبارزه می‌کردند.

۹. جماعت اسلامی^۳

بزرگترین حزب سیاسی اسلامی پاکستان است و توسط قاضی حسن احمد رهبری می‌شود. گفته می‌شود صدها اویغور عضو این حزب شده‌اند، برای اینکه توسط مجاهدان افغانی آموزش ببینند.

۱۰. حرکت اسلامی ازبکستان^۴

این حرکت توسط جمعه‌نمگانی رهبری می‌شد، که از طرف کشور چین متهم بود به اینکه فعالانه اویغورها را استخدام می‌کند و آنها را در مراکز نظامی خود در شهر مزار شریف در شمال افغانستان آموزش می‌دهد.

البته گروه‌ها و انجمن‌های اویغور غیر خشونت‌طلبی هم هستند که فقط به دنبال آزادی عمل بیشتر یا خودمختاری بیشتری از طرف دولت چین برای خود هستند. آنها از دولت چین می‌خواهند که به وعده‌های خود به آنها، راجع به خودمختاری^۵ احترام بگذارد. گروه‌هایی هم

-
1. Tableeghi Jammāt
 2. Committee for Eastern Turkistan
 3. Jamaat- I- Islami
 4. Islamic Movement in Uzbekistan (Imu)
 5. Autonomy

هستند که در خارج از سین کیانگ یا درون این استان از طریق راه‌های غیرخوشنوت‌آمیز به دنبال استقلال از چین هستند. برای مثال گروه‌های اپوزیسیون اویغور تبعیدی در کشورهای نظیر آمریکا، آلمان، ترکیه و به گروه‌هایی مانند «انجمن آمریکایی اویغور» و «کنگره ملی ترکستان شرقی» که فدراسیونی از تعدادی اویغور است، وابسته‌اند.

برخی از این گروه‌های غیرخوشنوت‌طلب مثل «سازمان منطقه‌ای اویغور» در آسیای مرکزی مستقر هستند. علاوه بر آنها گروه‌های خبری و منابع رسانه‌ای اویغوری هم هستند که کار خود را منتشر کردن اطلاعات رایج و فصلی و نیز بی‌طرفانه راجع به مردم و فرهنگ و تمدن ترکستان شرقی و فراهم کردن فضا برای بحث و مذاکره در یک طیف وسیع از موضوعات و مسائل پیچیده می‌خوانند. برای مثال می‌توان از بولتن اطلاعات ترکستان شرقی که توسط اتحادیه ترکستان شرقی در اروپا منتشر می‌شود، نام برد. همه این گروه‌ها از ابزارهای صلح‌آمیز برای به دست آوردن استقلال از چین حمایت می‌کنند (China's Relations with Central Asians States, 2001).

روابط سیاسی و امنیتی چین و آسیای مرکزی

در این بخش از مقاله سعی می‌شود با ارائه شاخص‌های عینی نشان می‌دهیم، چگونه تأثیرپذیری سین کیانگ از افراط‌گرایی، بنیادگرایی و تروریسم در آسیای مرکزی، چین را وارد تعاملات جدی و روز افزون با کشورهای آسیای مرکزی کرده است.

الف- چین و قزاقستان

طی دیداری که نور سلطان نظربایف با هوچین تائو در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۴ داشت، هوچین تائو ابراز داشت که دو همسایه آمادگی خود را برای تلاش مشترک در زمینه نبرد علیه تروریسم، قاچاق دارو، افراط‌گرایی مذهبی، در چارچوب سازمان همکاری شانگهای و نیز در مورد اقلیت مسلمان سین کیانگ بیان می‌کنند (Yermukhnov, 2004). در دیداری که رهبر چین با نور سلطان نظربایف، در ژوئیه ۲۰۰۶ داشت طرف چینی، اظهار داشت که دو کشور باید برای تقویت همکاری در زمینه امنیت منطقه به نبرد با سه نیروی شر و حفظ امنیت منطقه و حفظ منافع هر دو طرف پردازند (منظور از سه نیروی شر بنیادگرایی، افراط‌گرایی و تروریسم می‌باشد) و نیز همکاری‌هایشان را در سازمان همکاری شانگهای افزایش دهند. چین و قزاقستان در مه ۲۰۰۴، یک بیانیه مشترک در مبارزه با تروریسم امضا کردند.

این بیانیه که در مورد چندین مسئله مهم بود، یک جنبه قابل توجه از آن، از چشم‌انداز حقوق بشر، توافق مشترک در مبارزه مشترک با تروریسم در منطقه بود. تروریسم در همه شکل‌های آن، طبق تشخیص و تعریف سازمان ملل که شامل حرکت ترکستان شرقی هم می‌شود. این حرکت

در سال ۲۰۰۲ به دستور چین و به حمایت آمریکا در لیست تروریست‌های سازمان ملل قرار گرفت (China, Kazakhstan Joint Statement on Uygur Terrorism, 2004).

ب- چین و قرقیزستان

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در ۸۵/۳/۲۰، با امضای ۱۳ موافقت‌نامه همکاری، رهبران چین و قرقیزستان برای مبارزه با تروریسم متعهد شدند. هوجین تائو در این دیدار گفت دو طرف باید در مبارزه با تروریسم (در همه اشکال آن که شامل حرکت ترکستان شرقی هم می‌شود در چارچوب سازمان همکاری شانگهای)، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی و جنایات فرامرزی، همکاری کنند. طرفین موافقت کردند که در مورد نیروهای حرکت ترکستان شرقی، سخت‌گیری بیشتری کنند که این خود بخش عمده‌ای از مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی است. آن‌ها اعلام کردند تا با اعضای دیگر سازمان همکاری شانگهای همکاری کنند و مسئولیت‌های مهم و اساسی ای را در مبارزه با «سه شر» و نیز مبارزه با قاچاق دارو و مهاجرت غیرقانونی و جنایات فرامرزی، به عهده بگیرند.

در خبری که در ۲۰۰۵/۵/۳۱ به نقل از ریانووستی منتشر شد، سخنگوی وزارت خارجه چین گزارش داده بود چین به‌طور جدی، فرستادن نیروی نظامی به قرقیزستان را بررسی می‌کند. وزارت خارجه چین هیچ تفسیر رسمی و توضیح اضافی در این باره ارائه نکرد. البته در منع دیگری گفته شده رئیس‌جمهور قرقیزستان در ۲۵ مه به دنبال بروز نا آرامی و آشوب در مرز قرقیزستان- ازبکستان درخواست اعزام نیرو کرده بود. مقامات ازبکستان، افراط‌گرایان اسلامی را مقصر دانستند. استقرار نیروهای مسلح در مناطق جنوبی قرقیزستان می‌تواند به نحو مؤثری در نبرد علیه تروریسم مؤثر باشد.

در زمینه همکاری نظامی باید گفت که در سال ۲۰۰۲، ارتش‌های چین و قرقیزستان نیروهای خود را به‌طور مشترک در یک سطح وسیع در عملیات ضدتروریستی به کار گرفتند. این مانور نظامی، اولین عملیات ضد تروریستی دو جانبه درون سازمان همکاری شانگهای است. از نظر ژئوپلیتیکی، قرقیزستان بین چین و ازبکستان قرار دارد و دارای اهمیت استراتژیک است. قرقیزستان در مسیر جاده ابریشم قدیم قرار دارد و پل ارتباطی شرق و غرب و یک گذرگاه مهم برای عبور قاچاقچیان مواد مخدر و مقر افراط‌گرایان اسلامی است. چین مرزی به طول بیش از هزار کیلومتر را با قرقیزستان دارد. از بین چهار سازمان تروریستی که توسط دادگاه عالی قرقیزستان در نوامبر ۲۰۰۳ غیرقانونی اعلام شدند، سه سازمان با حرکت اسلامی ترکستان شرقی مرتبط بودند که خواهان جدایی سین‌کیانگ از چین هستند. گذشته از این خط راه‌آهن چین- قرقیزستان- ممکن است در قرقیزستان دچار نا امنی شود.

ج- چین و تاجیکستان

دو کشور چین و تاجیکستان در مه ۲۰۰۶ در شانگهای، برای سرعت بخشیدن به همکاری در مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی، به توافق رسیدند. دو کشور اعلام کردند سخت‌گیری مشترک خود را در مورد قاچاق مواد مخدر، ادامه خواهند داد. در دیداری که در ژوئن ۲۰۰۴، هوجین تائو با رئیس‌جمهور تاجیکستان داشت اشاره کرد که چین دوست دارد در این امور با تاجیکستان همکاری کند: تقویت همکاری دو جانبه در اجرای قوانین، ایجاد تمهیدات حقوقی و امنیتی و مبارزه با سه نیروی شر و نیز قاچاق مواد مخدر، همکاری در زمینه توسعه مکانیسم سازمان همکاری شانگهای و...

از ۳ تا ۴ ژوئیه ۲۰۰۰ جیانگ زمین به دعوت امام علی رحمان اف، از تاجیکستان دیدار کرد. در این دیدار طرفین موافقت کردند که آماده‌اند تا در میان بخش‌های نظامی‌شان همکاری برقرار کنند، توافق دارند جدایی طلبی ملی و تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی، تهدید جدی برای صلح و ثبات منطقه‌ای است. آنها تصمیم گرفتند هماهنگی بیشتری درون چارچوب‌های چند جانبه و دو جانبه داشته باشند، تا به‌طور مشترک علیه این فعالیت‌ها مبارزه کنند و صلح و ثبات منطقه‌ای را حفظ کنند. طرفین ابراز علاقه کردند موافقت‌نامه بین چین و تاجیکستان را در مورد مهاجرت‌های غیرقانونی و قاچاق و استفاده از داروهای مخدر و مواد روان‌گردان که در ۱۳ اوت ۱۹۹۹ امضا شده و حاوی یک سری دستورالعمل‌های مؤثر برای مبارزه با فعالیت‌های جنایی فرامرزی مثل قاچاق غیرقانونی اسلحه و مواد مخدر بود، اجرا کنند. آنها تنش‌های مستمر در افغانستان و نقش منفی این کشور برای ثبات منطقه‌ای را مورد توجه قرار دادند.

در مورد مسئله افغانستان، چون مرز مشترک با تاجیکستان دارد و تاجیکستان هم مرز مشترک با چین، لذا چین از این بابت بسیار نگران است. وزیر امور خارجه چین در ۲ سپتامبر ۲۰۰۳ اعلام کرد همکاری‌های دو جانبه بین چین و تاجیکستان، در زمینه‌های مبارزه با تروریسم و قاچاق دارو و در زمینه‌های اقتصاد و فرهنگ و امنیت و مبارزه با مواد مخدر و حفاظت محیط زیست گسترش یافته است. قبلاً در سال ۲۰۰۱ جیانگ زمین با امام‌علی رحمان اف جهت امضای یک پیمان در مبارزه با سه نیروی شر، دیدار کرده بود. در سال ۲۰۰۴ هم به نقل از رسانه‌های خبری، چین با تاجیکستان یک توافقنامه ضدتروریستی امضا کرد، این موافقت‌نامه این اجازه را به چین می‌داد در تعقیب تروریست‌های جدایی طلب مسلمان شمال غرب چین، هرچه بیشتر به‌داخل منطقه نفوذ کند. در دیداری که امام‌علی رحمان اف از

چین در ۱۹-۱۶ مه ۲۰۰۶ داشت، اظهار کرد که طرفین باید در مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی و قاچاق دارو و جنایات فرا مرزی، با هم همکاری کنند.

د- چین و ازبکستان

در اعلامیه مشترک همکاری که هوجین تائو و اسلام کریم‌اف در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۴ امضا نمودند، در مورد مسائل مبارزه با تروریسم و مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای که موجب نگرانی دو کشور است، به بحث و تبادل نظر پرداختند. کریم‌اف در مصاحبه با رسانه‌های چینی خاطر نشان کرد که ازبکستان، از جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی دینی رنج می‌برد و با دیدگاه‌های چین درباره حمایت از ثبات و امنیت منطقه همسو است. اسلام کریم‌اف رئیس‌جمهور ازبکستان بعد از شورش در شهر اندیجان در شرق ازبکستان، از چین دیدار کرد. طرفین ۱۴ موافقت‌نامه در طول این سفر امضا کردند. به اعتقاد ناظران، این دیدار به این معنی بود که اگر کریم‌اف تصمیم بگیرد علیه مخالفان محلی و افراط‌گرایان اسلامی شدید و جدی برخورد کند، چین هیچ اعتراضی نخواهد داشت. این اتفاقات در ازبکستان در ۲۰۰ کیلومتری مرز چین که مسلمانان در آنجا زندگی می‌کنند، رخ داد.

یک سخنگوی وزارت خارجه چین اعلام کرد دولت چین سخت حامی تلاش‌های دولت ازبکستان در جهت متوقف کردن تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی است. هوجین تائو و اسلام کریم‌اف یک اعلامیه مشترک در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۴ امضا کردند و اعلام شد هر دو کشور در زمینه مبارزه با تروریسم، توافق دارند که تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی هنوز تهدیدهایی را برای امنیت و ثبات منطقه‌ای ایجاد می‌کنند. طرفین به منظور ایجاد صلح و آرامش در هر دو کشور و در منطقه، توافق کردند که در مورد نیروی تروریستی ترکستان شرقی سخت‌گیری بیشتری اعمال کنند. این کار بخشی عمده از عملیات ضدتروریستی بین‌المللی است و نیز همکاری در جهت مبارزه علیه اشکال مختلف بنیادگرایی مذهبی که یک تهدید عملی برای صلح و ثبات منطقه است. طرفین معتقدند و تأکید می‌کنند که ثبات و امنیت در آسیای مرکزی بسیار با شرایط افغانستان مرتبط است. چین قویاً بمب‌گذاری‌های تروریستی پایتخت ازبکستان را محکوم کرد.

ه- چین و ترکمنستان

در ملاقاتی که هوجین تائو و نیازاف در پکن داشتند هو گفت دو طرف باید در مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌طلبی، همکاری کنند تا امنیت و ثبات داخلی و منطقه‌ای را حفظ کنند. نیازاف در مصاحبه تلویزیونی که در تاریخ ۲۰۰۶/۱/۴ انجام داد، گفت ما در زمینه مبارزه با تروریسم با چین همکاری می‌کنیم. ما توافقنامه‌هایی در زمینه مبارزه با

تروریسم در سال ۲۰۰۲ با چین امضا کردیم. لازم به ذکر است که نیازاف در سفر ۶ روزه خود به چین، یک مجموعه توافق‌ها امنیتی و اقتصادی با رهبران چین به امضا رساند. یکی از این توافقات ترکیب و متحد کردن نیروهای دو کشور در مبارزه با تروریسم در همه شکل‌هایش (که شامل گروه ترکستان شرقی هم می‌شود) بود. در ۱۷ آوریل ۲۰۰۶ در اعلامیه‌ای که نیازاف و هوچین تائو امضا کردند، دو کشور متعهد شدند تا برای ریشه‌کن کردن آنچه که آنها آن را سه نیروی شر می‌خوانند، با هم همکاری کنند. اما هدف اولیه این تعهد و التزام آشکار است و آن جنبش جدایی طلب ترکستان شرقی است که در جستجوی جدایی و استقلال از چین می‌باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در حوزه ملاحظات امنیتی چین در آسیای مرکزی شواهدی را ذکر کردیم که براساس آن نشان داده شد هراس از سه نیروی شر یعنی بنیادگرایی، افراط‌گرایی و تروریسم به‌خصوص بنیادگرایی اسلامی به دلیل ارتباط بی‌چون و چرای آن با ایالت سین‌کیانگ برای چین یک خطر واقعی نه صرفاً یک تصور و ذهنیت است. چین در مسیر پاسخگویی به تهدیدات امنیتی‌اش در این منطقه به تلاش‌های دوجانبه و چند جانبه‌ای دست زده است. در بعد روابط دوجانبه می‌بینیم چین بیشترین حجم روابط را با قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان دارد، یعنی کشورهایی که کمترین روابط در زمینه تأمین انرژی را با آنها دارد.

این سه کشور نا امن‌ترین و بحران‌خیزترین کشورهای آسیای مرکزی هستند. ناگفته نماند که این سه کشور فقیر و گرفتار بیشتر خودشان نیازمند کمک هستند تا اینکه بخواهند کمکی به چین بکنند، لذا در بعد روابط دو جانبه از همکاری چین و روسیه در آسیای مرکزی در مورد مبارزه با بنیادگرایی، افراط‌گرایی و تروریسم نمی‌توان چشم پوشید. نمود بارز روابط چند جانبه چین و آسیای مرکزی سازمان همکاری شانگهای است. چین تلاش‌های دو جانبه خود را در حوزه‌های امنیتی سیاسی و اقتصادی در بعد چند جانبه به سازمان همکاری شانگهای می‌کشاند تا بتواند از همکاری قدرت‌های منطقه‌ای دیگر مانند روسیه بهره‌مند شود.

منابع

الف - فارسی

۱. امیدوارنیا، محمدجواد (زمستان ۱۳۷۷)، "سیاست چین در آسیای مرکزی"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۲۴.

۲. جانوچانگ، چینگ و چنگ گوانگ شینگ و جی سوان جوانگ (۱۳۷۹)، چین و آسیای مرکزی، ترجمه محمد جواد امیدوارنیا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. "سازمان همکاری شانگهای، شکل‌گیری و دورنمای توسعه" (شهریور ۱۳۸۴)، بولتن ویژه، مؤسسه ابرار معاصر تهران، شماره ۱۰۴/۷۸ / ۸۴.
۴. موسوی، رسول (۱۳۸۳)، "حرکت‌های اسلامی در آسیای مرکزی"، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، جلد سوم، شماره نهم.

ب- انگلیسی

1. "Central Asia and its Asian Neighbors, Security and Commerce at the Crossroads (May 2000)," at: <http://www.Rand.org>.
2. "China's Relations with Central Asian States and Problems with Terrorism (17December 2001)", **CRS Report for Congress**, at: <http://fpcostate.gov>
3. "China, Kazakhstan Joint Statement on Uygur Terrorism,(19 may 2004)
4. "China Letter-News and Human Rights", at: <http://uygurletter.Blogspot.Com>.
5. Gunaratna, Rohan, George Pereire, Kenneth, "an Al- Qaeda Associate Group Operating In China (2006)", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol.4, No.2.
6. Oresman, Mattew (2005), "Beyand the Battle of Talas: China's Re-emergence in Central Asia, at: <http://www.ndu.edu>.
7. Shichor, Yitzhak, "Fact and Fiction: Chinese Documentary on Eastern Turkestan Terrorism," **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 4, No.2
8. Swanstrom, Niklas, "China and Central Asian: a New Great Game or Traditional Vassal Relation? (2005)", at: <http://www.silkroadstudies.org>,
9. Yermukhnor, Marat, "China Relation with Kazakstan Are Warming but to What End (7/9/2004)", **AFAR (Association for Asia Research)**, at: <http://www.asianresearch.org>.

Archive